بناهای قدیمی

کوشک احمدشاهی بنایی با سابقه‌ای مبهم

زهرا خالقی‌صفا

■ در میـان بناها و کاخ‌هـای تاریخی باغ نیاوران (نی‌آوران) کوشک کوچکی قرار دارد که از آن به نام کوشک احمدشاهی نام می‌برند. کوشک در اصطلاح به بنایی گفته می‌شود که در میان باغ قرار گرفته و از داخـل بنا به چهارطـرف منظر دارد. این بنا با مسـاحتی بالغ بر ۸۰۰ متر دو طبقه دارد و متعلق به اواخر دوره قاجاریه است. به گفته راهنمای این طرح، این بنا سـابقه‌ای ۱۰۵ ساله دارد. ورودی بنا در ضلع جنوبی سـاختمان قرار دارد که به‌وسیله چندین پله از کنار حوض بیضی شـکل پوشیده از کاشی به کوشک منتهی می‌شود.

تاریخ کوشک در سایه‌ای از ابهامات

این سـاختمان کوچک طی حیات کوتاه‌مدت خود شاهد ساکنان متفاوتی از نسل‌های گوناگون بوده است. حتی با وجود اسناد و متون به دست‌آمده از دوره قاجاریه، تاریخ دقیق شکل‌گیری و احداث ایـن بنا در باغ قدیمی شـمال تهران به درسـتی مشخص نیست، فقط از نوع معماری و شیوه ساخت آن معماران معتقدند این ساختمان باید متعلق به اواخر دوره قاجاریه باشـد. گفته می‌شود این بنا را احمدشـاه برای یکی از زنان محبوب خود که تبار گرجی داشـته در اراضی نیاوران ساخته است، اما برخی تحقیقات، نشان از آن دارد که احمد شاه اصلا همسـری با تبار گرجی نداشته است. این کوشک در زمان آغاز سلطنت پهلوی‌اول چندان مورد توجه قـرار نگرفت و متروک شـد ولی با بازسـازی کاخ صاحبقرانیه (کاخ دیگری در نیاوران) برای برگزاری مراسم ازدواج محمدرضا پهلوی و فوزیه (همسر اول) این کوشک جهت استقرار کوتاه مدت آنان در نظر گرفته شد، گرچه تا امروز مشخص نیست که این بنا واقعا در آن دوره برای چه منظوری مورد استفاده قرار گرفته است. پس از این تاریخ، ساختمان کوشک به تناوب گاه متروک و زمانی نیز محل اقامت پرسنل نظامی رده بالا قرار می‌گرفـت. در اوایل دهه ۴۰، محمدرضا پهلوی که تصمیم به ساخت کاخ نیاوران جهت اقامت خود و خانواده‌اش می‌گیرد این بنا را طبق برخی از گزارش‌های شـفاهی، به‌عنوان دفتر اداری خـود برمی‌گزیند اما از میانه‌های دهه ۴۰ تا زمان وقوع انقلاب اسلامی، این ساختمان به‌عنوان محل اقامت پهلوی سـوم یعنی ولیعهد و برگزاری مهمانی‌های خانوادگی مورد استفاده قرار گرفت که در این زمان دکوراسیون داخلی بنا توسط طراحان فرانسـوی تغییر می‌یابد. این بنا پـس از پیروزی

انقلاب اسـلامی به‌صورت انبار دربسته باقی‌ماند تا اینکه سـرانجام در سال ۱۳۷۹ به عنوان موزه‌ای با نام کوشک احمدشاهی و محل اقامت رضا پهلوی گشایش یافت که بعد از مدتی کوتاه مورد مرمت و بازسازی از لحاظ تاسیسات الکتریکی و مکانیکی قرار گرفت و سرانجام در اردیبهشت ۸۴ بازگشایی شد که تا به امروز پابرجاست. این کوشک زیبا که شاهد وداع آخرین شاه قاجاریه با سلطنت بوده است ابهامات فراوانی را با خود به دوش می‌کشد و جای تعجب است که چرا در هیچ متون و اسناد باقیمانده از دوران قاجاریه هیچ اشاره‌ای به این بنا نشده است.

تالارهای کوشک احمد شاهی

طبقـه همکف این عمارت شـامل یک هال با حوضی از جنس مرمر اسـت که در مرکز سـالن قرار دارد و توسـط شـش اتاق و دو راهرو محصور شـده که در اطراف سالن کتابخانه، کتب ولیعهد به چشـم می‌خـورد. اتاق‌های سـمت چپ این سـالن متعلق به رضا پهلوی است که با عکس‌ها و پوسترهای فوتبالی و اولین پرواز اختصاصی‌اش، دیوارهـا را پـر کرده اسـت. همچنیـن از آثار با ارزشمند آن کلکسیون شخصی رضا پهلوی است که شامل اشیا و سنگ‌های معدنی مورد علاقه‌اش بوده که شـاخص‌ترین سنگ این مجموعه، قطعه شهاب‌سـنگی از کره ماه است که توسط ریچارد نیکسـون، رییس‌جمهور سـابق ایالات متحده به وی اهدا شـده اسـت و اتاق‌های سمت راست آن مربوط به آجودان ولیعهد و اتاق غذاخوری است و همچنین هیچ اثری از اتاق‌های سرویس بهداشتی و آشـپزخانه کوشک به جا نمانده و از آن مکان به عنوان نمایشگاه‌های موقتی اسناد قاجاریه استفاده می‌شود.

طبقه دوم عمارت نیز شامل یک سالن مرکزی و ایوان سرتاسری چهارطرفه است که در هر چهار طرف سالن، ادوات موسـیقی به چشم می‌خورد. دورتادور ایوان کوشک را شش ستون با مربع‌های قطور شکل با نمای آجری بدنه و ۲۶ ستون مدور با نمای گچی فرا گرفته اسـت که نقش شـیر و خورشـید گچبری شده بر پیشـانی دیواره ضلع شمالی ایوان بسیار قابل توجه است. این طبقه در زمان پهلوی دوم جهت میهمانی‌های خصوصی و خانوادگی مورد اسـتفاده قرار می‌گرفته است این سـالن برای بازدیدکنندگان فقط در دو روز هفته یکشنبه و سه‌شنبه باز است.

به روایت مسافران خارجی

تهران خیلی خوب است

فرزانه نیکروح متین

از زمانی که تهران قدیم به عنوان پایتخت سرزمین پارس شـناخته شد، بیگانگان و فرستادگان کشورهای مختلف نیز در خاطرات خود از این شهر کوچک بسیار یـاد کرده‌اند که ذکر چند نمونـه از آنها خالی از لطف نیست.

«پیترو دلاواله»، سیاح معروف ایتالیایی که به هنگام سـلطنت شاه‌عباس صفوی به ایران آمده بود و دیداری از تهران داشـت درباره این شهر نوشته است: «تهران از کاشان بزرگ‌تر ولی جمعیت‌اش کمتر است. یک ثلث از زمین داخل حصار خانه‌ها و دو ثلث دیگر آن شامل باغات می‌شـود. در همه کوچه‌هـا، درخت چنار غـرس کرده‌اند و قطر بعضی از چنارها به قدری اسـت که چهار نفر دستشـان را به هم بدهند با دشواری می‌توانند آن را بغل کنند.»

«ارنست ژوبر» فرانسوی، فرستاده ناپلئون بناپارت به دربار فتحعلی‌شاه قاجار کـه در سـال ۱۲۲۱ هـ‌ق در تهـران اقامت داشـته پیرامـون برج و بـاروی تهـران در آن دوره نوشـته است: «سـاختمان‌ها و برج‌های تهران مانند اصفهان زینت‌بخش نیست، این شـهر در زمان طولانی که من در آنجا می‌زیستم چندان پیشرفتی نداشت و جمیعت‌اش بیش از ۳۰هزار نفر نبود.»

ژنـرال گاردان، مامور دیگر ناپلئون که به دربار فتحعلی‌شاه قاجار در ایران اقامت داشته سفرنامه‌ای از خود برجای گذاشته که پیرامون شهر تهران است: «هیچ نقشـه جنگی در تهران موجود نیسـت. فقط دور هر قصبه‌ای حصاری اسـت از گل و دارای برج‌های مرتفع آجری کنگره‌دار و گرد شـهر تهران نیز خندق کنده شده است.»

«ژاک موریه»، نایب‌سـفیر سفارت انگلیس در زمان فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۲۲ هـ‌ش در سفرنامه خویش اشـاراتی به دارالخلافه کرده که قابل ذکر است: «هوای تهران به جهت نزدیکی آن بـه کوه البرز و دریای خزر مختلف و متفاوت است و در تابستان نهایت سازگاری را دارد. زمین شهر پست و دارای رطوبت و شوره‌زار است. آب تهران نیز تعریفی ندارد و اتباع سـفارت‌ها غالبا به امراض مختلفه مبتلا شده‌اند.»

در سـال ۱۲۳۹ هـ‌ش، در لنـدن کتابی دربردارنده اطلاعـات جالبی پیرامون تهران به قلم «ویلیام اوزلی» انتشـار یافت. اوزلی که به مدت دو سال در ایران اقامت داشت سفرنامه‌های دیگر را مورد نگرش قرار داد. براساس نوشته او تهران آن دوره دارای شش دروازه، ۳۰ مسجد و مدرسه و یکصد باب حمام بوده است که جمعیت آن حدود ۴۰ تا ۶۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

«کرپرتر» نیز که هفت سـال بعـد از اوزلی به ایران آمده بـود پیرامون تهران نوشـته اسـت: «نیم قرن پیـش، تهران به سختی شهری دارای اهمیت کافی بود که پایتخت دولتی گردید. تهران در مرکز نواحی شمال شرقی عراق عجم قرار دارد. تهران تا مدت‌های طولانی به صـورت نقطه‌ای مبهم و تاریـک مانـده بود تـا آنکه ورق برگشـت و آغامحمدخان قاجار به عنوان نخستین پادشاه قاجار، تهران را بـه اقامتگاه سـلطنتی برگزید. چشـمه‌های متعددی از ارتفاعات کوه‌های البرز مجاور جاری می‌شـد و در آغاز شروع گرما زمین پست اطراف شهر را اشـباع کرده و بخار و رطوبت به بالا می‌فرستد و هوا را در آن فصل ناسـالم می‌سازد. تهران با خندقی عظیم که برج‌ها و دیوارهای گلی با مساحتی برابر ۸۰۰۰ یارد را در بر دارد با چهار دروازه احاطه شده است. دروازه جنوب به اصفهان مـی‌رود، دروازه شـمال‌غرب به تبریـز و دو دروازه دیگر به سـوی تپه‌های آن جهات بازمی‌گـردد. مـن نمی‌توانسـتم جمعیـت شـهر را در طول اقامت خود دقیق متوجه شوم اما حدس می‌زنم بین ۶۰ و ۷۰ نفر می‌باشد.»

«ویلیام جالکسن» آمریکایی که به هنگام سلطنت مظفرالدین‌شاه مدتی در تهران اقامت داشته برخلاف سایر نویسندگان خارجی که به تشریح نقاط ضعف تهران پرداخته‌اند، زیبایی‌های تهران را مورد نگرش قرار داده و نوشته است: «اصفهان متوسط است، شیراز زیباست، اما تهران خیلی خوب است

یکی دیگر از سیاحان خارجی و معروفـی که در زمان سـلطنت قاجاریـه در دوره ناصـری پـا به ایران گذاشـت «مارسل دیولافوا» فرانسـوی به همراه همسرش بود که مشاهداتش را در پاریس به چاپ رساند: «در تهران در تمام خانه‌ها بسته است و به قدری کوچه‌ها پر گل و آب است که با زحمت می‌شـود از آنها عبور کرد، وقتی به خرابه‌های شهر ری رسیدیم در باغ باصفایی توقف کردیم سپس وارد دروازه تهران شدیم که در بالای آن کاشی‌های نقاشی شده با رنگ‌های جلف و زننده جنگ‌های رستم زال را با دیوان شاخدار و دم‌دار نشان می‌دادند.»

در زمان اسـتبداد محمدعلی شاه به وسیله یکی از اتباع روسـیه به نام «مادام وولفسـن» کتابی با عنوان «ایرانیان در گذشته و حال» به زبان روسی انتشار یافت که حاوی مطالبـی پیرامون تهران البتـه به صـورت غلـو و اغراق‌آمیز اسـت: «اگر بر حسـب تصادف وارد تهـران شـوید از مشـاهده منظره کنونی پایتخت شاهنشاهی ایران به حیرت خواهید افتاد با اینکه مسافر تقریبا نصـف تهران را عبـور کرده تازه از سـورچی می‌پرسد پس کی به تهران می‌رسـیم؟ پـس از اینکه از یـک سلسـله دالان‌هـای پهن و باریک و دراز و کوتاه بدون سـقف را طی کردید، وارد یک میدان نسـبتا وسیع می‌شوید. این میدان توپخانه و میدان اصلی و عمده شـهر تهران است. بهترین قسمت تهران، محله اروپاییان اسـت. یکـی از دو خیابان شمال شرقی که وارد میدان توپخانه می‌شـود به این نام مشهور است. در این خیابـان غالبـا اروپایی‌ها منزل دارند چرا که سـفارتخانه‌ها در آنجا واقع شده است. عمارت زیبای بانک اسـتقراضی روس و باغ سبز و خرم آن تقریبا اواسط خیابان مذکور واقع شده است.» «ویلیام جالکسن» آمریکایی که به هنگام سلطنت مظفرالدین‌شاه مدتی در تهران اقامت داشته برخلاف سایر نویسندگان خارجی که به تشـریح نقاط ضعف تهـران پرداخته‌اند، زیبایی‌های تهران را مورد نگرش قرار داده و نوشته است: «اصفهان متوسط است، شیراز زیباست، اما تهران خیلی خوب است از تلگرافخانه کاملا مجهز و پستخانه گرفته تا بانک عظیم شاهنشاهی و مغازه‌هایی که دارای جنس اروپایی‌اند.» اما مسـاجد، مناره‌ها، شترها، کاروانسراها و بازارهـای مملو از مردانی که با هم نزاع می‌کنند و زن‌ها چادر به سر و با رسومی قدیمی، مشخصاتی است که به شرق تعلق دارد و تهران را مانند هر پایتخت دیگری در شرق، شرقی می‌نمایانند. تهران مساحت و ظاهر کنونی خود را تا حدودی مرهون ناصرالدین‌شـاه است که پس از اولیـن بازدیدش از اروپا با اشـتیاقی مخصوص اوقات خود را به توسـعه و زیبا ساختن مقر فرماندهی خویش اختصاص داد.»

منبع: کتاب طهران قدیم

اولین‌ها

موسیقی‌دان قاجاریه نخستین قربانی تصادف در تهران قدیم

■ جالـب اسـت بدانید کـه از غلامحسـین درویش معروف به درویش‌خان که از نامدارترین موسـیقی‌دانان ایران و صاحب سـبک در زمان سلطنت قاجاریه است، به‌عنوان نخسـتین قربانی سوانح رانندگی با اتومبیل در دارالخلافه تهران نام می‌برند. غلامحسـین درویش در سـال ۱۲۵۱هـ ش در زمان سـلطنت ناصرالدین‌شـاه متولد شد و برای یادگیری موسیقی به مدرسه دارالفنون رفـت. بعد از مدتی به دربار سـلطنت راه پیدا کرد و به شـاگردی آقامیرزا حسـینقلی درآمد و به نواختن تار و سـه‌تار مشغول شـد. حضور وی در دربار باعث شد که توسط رجال، موسیقی‌دانان و هنردوستان شناخته شود، سپس به دربار شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدین‌شاه راه یافت و نوازنده مخصوص وی شـد. بعد از مدتی کشمکش با سـلطنت در دوران مشـروطیت به سـفارت انگلستان پناهنده شد و سفیر انگلیس توانست برگه آزادی وی را از شعاع‌السلطنه بگیرد. بعد از این ناملایمتی‌ها، درویش‌خان از دربـار فاصله گرفت و به تدریـس پرداخت و به گروه انجمن اخوت در دوران مشروطیت پیوست و رهبر گروه و جزو مریدان «صفاعلی ظهیرالدوله» داماد ناصرالدین‌شاه شد. درویش‌خان نوعی آهنگ ضربی به نام پیش‌درآمد ساخت که تا سال‌ها بعد از وی رواج بسیاری یافت. درواقع وی اولین تحول واقعی موسیقی را در تهران و ایران آغاز کرد. همچنین نخستین کلاس تدریس موسیقی برای بانـوان دایر کرد کـه خواهرش در آنجا تـار می‌نواخت. کنسرت‌های درویش‌خان در گراندهتل بسیار مشهور بود و مردم، اعیان و اشـراف از هر نقطـه از تهران خود را به گراندهتل می‌رساندند، وی عوایدش از کنسرت‌هایش را وقف مردم مصیبت‌زده و ایتام می‌کرد. او در چهارشنبه دوم آذرماه سـال ۱۳۰۵هـ ش در پنجاه و چهار سالگی جهت عزیمت از محل موسیقی به خانه‌اش، درشکه‌ای دو اسـبه کرایه کرد و درشکه درحالی که از خیابان امیریه به سمت شمال می‌پیچید با ماشین فوردی که از جهت مخالف می‌آمد تصادف کرد. از ورود اتومبیل به تهران یک دهه بیشتر نمی‌گذشت و رانندگان هم گواهینامه نداشتند و به صورت ناشـی رانندگی می‌کردند. بر اثر این سانحه، اسب‌های درشکه درجا تلف شدند و درویش‌خان از ناحیه سر به زمین برخورد، مردم که شاهد این تصادف بودند، درویش‌خان را به بیمارستان نظمیه تهران رساندند اما به دلیل ضربه مغزی، پنج روز بعد فوت کرد و پیکر وی در گورستان ظهیرالدوله در میانه راه امامزاده قاسم و تجریش به خاک سـپرده شد. هیچ سـندی از آن دوران مبنی بر مقصر شناختن یکی از دو وسیله نقلیه وجود ندارد و اینکه بر سر راننده درشکه یا اتومبیل چه بلایی آمد نیز از ابهاماتی است که به آن پاسخ داده نشده است.

میدان مشق نخستین زمین فوتبال در تهران

بابک شیروانی

بازی فوتبال در تهران در اواخر قرن سیزدهم خورشیدی و توسط انگلیسـی‌ها رواج یافت. کارکنان سفارت انگلستان در تهران و دیگر انگلیسی‌های ساکن تهران در میدان مشق برای نخسـتین بار در تهران به بازی فوتبـال پرداختند. با روی کار آمدن محمدعلی‌شـاه، انگلیسی‌ها محل بازی خود را تغییـر دادند و آن را به مجاورت حصار ناصری در شـمال ضلع سفارت انگلیس در خیابان فردوسی فعلی انتقال دادند. زمانی که احمدشاه آخرین سال‌های سلسله قاجاریه را سپری می‌کرد و سردارسـپه نخستین پایه‌های حکومت پهلوی را اسـتوار می‌سـاخت، در جنوب اراضی بهجت‌آباد و خارج از حصـار ناصری در حوالی کالج آمریکایی (دبیرسـتان البرز) به‌وسیله کمپانی لنج (Lenge) نخستین زمین فوتبال شهر تهران ساخته شد. در این زمین دروازه‌های قانونی نصب شد به‌طوری که کاملا با زمین‌های امروزی فوتبال مطابقت داشت.

تیم تهران

امـا در مورد نخسـتین تیـم فوتبال در تهـران، تاریخ دقیقی وجود ندارد اما شـاید بتوان سـال ۱۲۹۹ هـ‌ش را سـال تشـکیل اولین تیم فوتبال در تاریخ تهران دانسـت. نخستین تیم تشکیل‌شده فوتبال تهران زمانی که احمدشاه بر سلطنت بود به نام تیم کلوب تهران پدید آمد و بازیکنان به‌طور رسـمی جذب این رشته ورزشی شدند و مسابقاتی را ترتیب دادند تحت عنوان هفت‌لشکر که در میدان مشق برگزار می‌شد. در این مسابقات تیم انگلیسی‌ها هم شرکت داشـتند که در تسریع و پیشرفت بازی فوتبال تهران نقش مهمی را ایفا کردند. از آن پس تیم‌های متعددی پا گرفتند، از جمله تیم اسپرت ارامنه، تیم طوفان و دو باشگاه به نام‌های باشگاه اجتماعیون و باشگاه شعاع که بعد از آنها پا به عرصه گذاشتند.

قهرمانی تیم تهران در اولین دوره مسابقات

در سال ۱۳۰۳ هـ‌ش تیم کلوب تهران با تیم‌های اسپرت ارامنه و طوفان به رقابت پرداخت و به پیروزی دسـت یافت. همچنین یک سـال بعد، تیم فوتبال انگلیسی‌ها را شکست داد که این امر باعث شگفتی مردم تهران شد.چند سال بعد دکتر عباس اکرامی از پایه‌گذاران فوتبال کلاسیک ایران، تیم شاهین را در تهران پدید آورد که چندین دهه بر فراز فوتبال ایـران هنرنمایی می‌کرد و بهترین بازیکنانی را که دیروز و امروز در جامه مربیگری به کشـور خدمت کرده‌اند، پرورش داد. جالب است که بدانید اولین بازی تیم فوتبال ایران با یک تیم خارجی، با تیم اتحاد جماهیر شـوروی بود که در سال ۱۳۰۴ هـ‌ش تیم ایران مغلوب تیم شوروی شد.

ورزشگاه امجدیه

در سـال ۱۳۱۳ هـ‌ش، بزرگ‌ترین ورزشـگاه تهران در اراضی باغی در شـمال دروازه‌دولت و شـمال آن روز تهران احداث شد که به نام «امجدیه» مشهور شد. در سال ۱۳۱۷ ه‌ش این ورزشـگاه کامل و در سـال ۱۳۱۸ نیز مسـابقات قهرمانی فوتبال در تهران انجام شد. از زمین‌های دیگری که اختصاص به فوتبال داشـت زمین خیام حوالی چهارراه آب سردار، زمین دولت بالاتر از دروازه‌دولت، زمین سلطانی حوالی منیریه و زمین لنج حوالی دبیرسـتان البرز در چهارراه کالج بودند.با آغاز سـلطنت پهلوی دوم و سال‌های جنگ جهانی دوم که همه چیز تحت‌الشـعاع جنگ قـرار گرفت فوتبال تهران نیز هیچ تحول و رشدی نکرد و بعد از خاتمه جنگ و مسابقات المپیک لندن پیش آمد که باعث شد ورزش دوباره در ایران از سـر گرفته شود. فوتبال ایران روز ۳۰ دی ۱۳۲۶ هـ‌ش، مطابق با بیسـتم ژانویه ۱۹۴۸ میلادی با ثبت‌نام در فیفا فعالیت رسمی خود را آغاز کرد.

جدول ۱۲۴۸

افقی:

۱- کنیه حضرت رسول- کالاها ۲- زیرا- جوهر گل- ماشین نویسـی ۳- حرف شرط- اجرام سـماوی- رنگ ناخن ۴- رایحه- طولانی‌ترین رود- اتومبیل صحرا- یادداشت ۵- شهری در آلمان- زباندار بی‌زبان- پشت سر ۶- تجملی- جانشـینی- جزیره ۷- ره آورد زلزله- ردیف هـم- فتنه ۸- زبان قدیمی- پایتخت اریتـره ۹- همراه لرز- خطا، سهو- خشک ۱۰- پوچ- پایه‌ها، ستون‌ها- نیستی و فنا ۱۱- نماینده یک دولت در یکی از شهرهای بیگانه که وظیفه رسیدگی به امور هموطنانش را دارد- هواپیمای روسی- گفتنی عـروس خانم ۱۲- رفت در گویش مشـهدی- بدهی- همراه هـرج می‌آید- مزه خرمالو ۱۳- رفیق مشـهدی- نویسـنده داسـتان وکیل مدافـع- آرارات بی‌آرا! ۱۴- از شیخ‌نشـینان امارات- حرکتی در جودو- به‌هیچ‌وجه ۱۵- هیاهوی مردم در شادی- مخالفت در برابر یک اندیشه سیاسی

عمودی:

۱- نوعی پرسـتو- شـخص بیش از حد آراسـته و نظیف ۲- سـاز و سـامان- نوار کاغذی دور بسته‌های اسکناس ۳- پسـوند شـباهت- مهاجم آنگولا در جـام جهانی ۲۰۰۶ آلمان- دسـتیار هیتلر- بخشـش ۴- حرف ندا- مرکز کشور بوسـنی‌و هرزگوین- پهلـوان ۵- از بلایای طبیعی- انبار غله- حرف عصا ۶- فیلمی با کارگردانی رابرت سیدو مارک محصول ۱۹۴۶ میـلادی- از انجیل‌ها- دانه خوراکـی ۷- دهان دره- از سال ۹۲ در میلواکی و پست گارد راس به NBA آمد- مرزبان ۸- دزد- گوشت آذری- کالای دست اول- جلگه وسیع ۹- گیج و سرگشـته- نام لینکلن- وزنی معـادل چهار جو ۱۰- نام درختی- بی‌مو- هنگام ظهر ۱۱- نصف- نوعی پخت برنج- دختر لاتین ۱۲- هواپیمای عجول- پا افزار نابجا!- شالوده و بنیاد ۱۳- تهی انگلیسی- از بت‌های معروف جاهلیت – باد پر گرد و خاک- خدای من ۱۴- از اسطوره‌های خط حمله لیورپول- مدافع رئال مادرید ۱۵- از ورزش‌های توپ و تور- قهرمان المپیک سال ۱۹۷۲

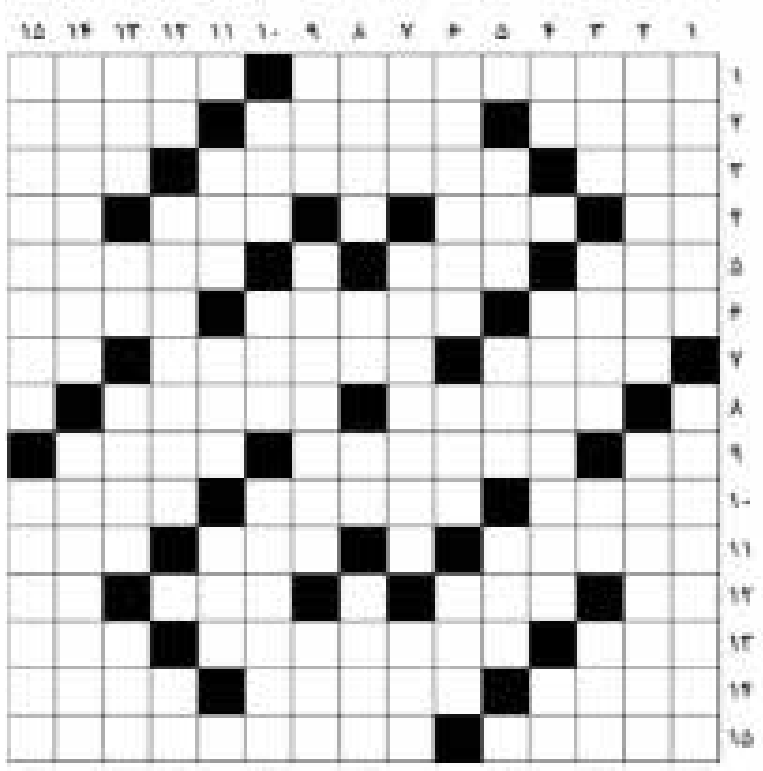

حل جدول ۱۲۴۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ب	د	ا	ر	ب	ا	ض	ی	■	ن	ا	س	ا	ر
۲	ت	و	ن	س	■	ا	س	ت	ا	د	■	ز	م	ی	ن
۳	ش	ت	ا	■	ا	م	د	ا	د	گ	ر	■	ث	ن	د
۴	د	ی	■	ب	س	ا	■	ب	■	م	س	ا	■	د	ا
۵	ا	م	س	ب	ک	م	■	ر	■	م	ب	ر	ه	ن	
۶	ن	ا	ی	ب	■	و	ا	ر	ن	ا	■	ه	ب	و	ب
۷	■	ر	و	ی	ا	گ	ر	د	ب	ا	د	■	ن	ا	
۸	س	■	ف	ل	و	ر	ا	■	ب	ل	ب	ش	م	■	ن
۹	ا	ا	■	ب	ل	ن	د	گ	و	■	و	ا	ی	ا	■
۱۰	ه	م	س	و	و	ا	ل	د	ه	■	م	ک	ر	م	
۱۱	م	ی	گ	ر	ن	■	ن	ن	ا	ر	■	س	و	ا	
۱۲	ر	د	■	د	ا	ب	ا	■	و	ا	ل	■	ب	ر	
۱۳	د	ن	ج	■	و	ا	ل	ی	ب	ا	ل	■	ک	ا	ب
۱۴	ا	ی	د	ه	■	ت	و	ر	ا	ن	■	ی	ا	ی	ی
۱۵	ن	ک	ی	س	ا	■	ا	ب	ر	ا	م	و	و	ی	ج

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۶	۲			۴			
۸	۳	۷		۹				
	۹						۸	۵
	۸			۶	۱	۳		
		۱					۷	
۹		۳			۵		۱	
۲	۱			۵		۶		
			۲		۶			۴
۴	۵					۹		

حل سودوکو ۲۵۵

۱	۳	۷	۲	۹	۸	۶	۵	۴
۴	۸	۶	۱	۷	۵	۲	۹	۳
۹	۵	۲	۴	۳	۶	۱	۷	۸
۶	۷	۱	۵	۸	۲	۴	۳	۹
۲	۴	۸	۳	۱	۹	۵	۶	۷
۵	۹	۳	۷	۶	۴	۸	۲	۱
۷	۶	۹	۸	۲	۱	۳	۴	۵
۸	۲	۴	۹	۵	۳	۷	۱	۶
۳	۱	۵	۶	۴	۷	۹	۸	۲